

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۲۲

## فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تصویب هفت فقره اعتبارنامه و مخالفت بایک اعتبارنامه
- ۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای اسعد تشکیل گردید )

صورت مجلس روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ماه را آقای جواد مسعودی (منشی) قرائت نمودند

کمک خواهد کرد وحدت مجلس و وحدت نمایندگان مجلس شورای ملی است بنده معتقدم که باید آقایان این اصل را در نظر بگیرند سعی بفرمایند از اختلافات کوچک کوچک بکلی جلو گیری کنند خاصه آقای فداکار که بنده میدانم ایشان یکی از نمایندگان طبعی هستند (صحیح است) و ایشان از نمایندگان فعال هستند و ما انتظار داریم که از وجود ایشان و از همکاری ایشان انشاء الله استفاده های بیشتری بکنیم و بنا بر این بنده بخودم اجازه میدهم از رفقای که با اعتبارنامه ایشان مخالفت کرده اند تمنی کنم با احترام وحدت مجلس شورای ملی برای اینکه هیچگونه نفاق و اختلاف و دلتنگی ایجاد نشود صرفنظر بفرمایند و مخالفت خودشان را پس بگیرند .

[ ۱ - تصویب صورت مجلس ]  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست آقای نراقی .  
 نراقی - بنده را غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده از حضور در مجلس معذور بودم و اطلاع هم داده بودم .  
 رئیس - بسیار خوب دیگر نظری نیست ؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد .  
 [ ۲ - تصویب هفت فقره اعتبارنامه و مخالفت با یک اعتبارنامه ]  
 رئیس - پرونده آقای فداکار مطرح است . آقای امیر تیمور .  
 امیر تیمور - در آغاز کار دوره چهاردهم که ما میدوار هستیم انشاء الله برای این مملکت خدماتی بکنیم آنچه که قبل از هر چیز برای ما اهمیت دارد و ما را در انجام مقصود

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

عین مذاکرات مشروح پنجمین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : مؤید قوامی - کفائی - سلطانی - نراقی

رئیس - آقای صفوی .

صفوی - بنده بر حسب فرموده آقای امیر تیمور البته تصدیق میکنم چون خدماتی ممکن است بر حسب وحدت نظر نمایندگان بشود پس میگیرم .

رئیس - آقای کاظمی .

کاظمی - بنده لازم میدانم عرایضی را بعرض مجلس برسانم این است که من و همه رفقا موقه باصل آزادی افکار و استقلال افکار احترام بسیار میگذارم و همانطور که برای خودم قائل هستم که هر طور وجدانم بمن اجازه میدهد و معلوماتم و اطلاعاتم باشد عرض کنم بهمه کس از نمایندگان این حق را بتمام معنی میدهم و بهر فکری که داشته باشند احترام میگذارم و نه بخودم و نه بهیچ عضو اکثریت اجازه نمیدهم که بایک فکری که شبیه بفکر او نباشد مخالفت بکنند و این عرایضی را برای رفع سوء تفاهم عرض کردم که بدانند اگر آقای فداکار در يك قسمت هائی نظر و فکرهاشان با فکر بنده و سایر رفقای بنده موافق نیست از این نظر با ایشان مخالفت نمیشود صرفاً روی يك جریان سیاسی مجلس و مجلسی و در نتیجه يك تشنجی این مخالفت با ایشان شد و همانطور که آقای امیر تیمور فرمودند بنده هم با اطلاعاتی که دارم و حق هم دارم که داشته باشم) برای اینکه با آقایان نمایندگان باید همکاری کنم بدیهی است یکی از چیز هائی که باید من در آن کسب اطلاع بیشتری بکنم طرز انتخاب و شکل انتخاب شدن آقایان است و تصدیق میکنم که آقای فداکار با توجه يك دسته مردم انتخاب شده اند و البته باین فکر احترام میگذارم این است که با این فکر که دسته زیادی بایشان توجه دارند و با احترام فرموده آقایان مخالفت خودم را پس میگیرم .

رئیس - آقای اقبال .

اقبال - عرض کنم آروز که بنده با اعتبار نامه آقای فداکار مخالفت کردم بعد تحقیقاتی راجع بطرز انتخاب ایشان بعمل آوردم و فهمیدم آقای فداکار نماینده حقیقی مردم اصفهان هستند (صحیح است) و باینجهت و از نظر اطاعت امر دوست

عزیزم آقای امیر تیمور مخالفت خودم را با اعتبار نامه آقای فداکار پس میگیرم .

رئیس - رأی میگیریم به پرونده آقای فداکار (اکثر برخاستند) تصویب شد. پرونده آقای فرهودی مطرح است آقای دکتر معظمی .

دکتر معظمی - من فوق العاده متأسفم که با يك نفر جوان تحصیل کرده که سابقه فرهنگی دارد امروز مخالفت میکنم ولی چه باید کرد انجام وظیفه پارلمانی بر احساسات من غلبه دارد انتخابات دشت میشان بهیچوجه با موازین قانونی تطبیق نمیکند در اینجا متأسفانه دولت مداخلات بی رویه نموده و بالتیجه اهالی آنجا را از داشتن يك و کیل طبیعی محروم کرده است اعتراضات بنده به طور خلاصه عبارت است

۱- راجع بمداخلات دولت

۲- راجع است باین که اصولاً تشکیل انجمن نظارت

صورت قانونی نداشته

۳- جریانات غیر قانونی کارهای انجمن

۴- نداشتن معروفیت محلی و کیلی که انتخاب شده است

۱- مداخلات دولت

بطوریکه پرونده انتخاباتی حاکی است در تاریخ ۲۲/۵/۱۰ از طرف وزارت کشور به بخشدار محل دستور شروع انتخابات داده شده و در ۱۰ روز بعد بدون هیچ علتی به بخشدار تلگراف شده که از تشکیل انجمن خود داری نمایند .

استاندار در تاریخ ۲۲/۵/۲۶ پس از صدور دستور وزارت کشور پاسخ میدهد که به بخشدار رمزاً و فوراً دستور داده شد که هیچگونه اقدامی نکند .

بعداً بدون این که دستور کتبی داده شود بخشدار محل در تاریخ ۲۲/۵/۳۰ انجمن نظارت را بدون رعایت مقررات ماده ۱۴ قانون انتخابات دعوت مینماید و انجمن غیر قانونی تشکیل و شروع بانخابات و اخذ رأی مینمایند و بعداً هم وزارت کشور برای شروع بجرایان انداختن

در تاریخ ۲۶/۶/۲۲ دستور صادر مینماید و یکروز بعد از صدور این تلگراف آقای وزیر کشور از بخشدار محل میخواهند که جریان را مستقیماً بایشان گزارش دهند (بخشداری جریان امور انتخابات رامستقیماً بوزارت کشور گزارش دهید) و در تاریخ ۲۲/۶/۲۷ استاندار تلگرافی بمضمون ذیل بوزارت کشور مخابره مینماید « کشور ۱۶۸۱ چون بخشدار راستگرد بر خلاف دستور ۴۹۰ عمل نموده بود به محض ورود اقدام لازم بعمل آورده پس از تحقیق و رفع نواقص نتیجه را بعرض میرساند» بعد از صدور این تلگراف استاندار بدشت میشان رفته بانخابات آنجا راتوقیف میکند بعد از این اقدام استاندار انتخابات دشت میشان بحال تعطیل بوده تا اینکه تصمیم وزارت کشور بر تحمیل آقای فرهودی اتخاذ شده در همین موقع است که وزیر کشور تلگرافاً در تاریخ ۱۵ / ۸ / ۲۲ از استاندار بمضمون ذیل جریان انتخابات را استعمال مینماید .

اهواز

۴۰۰۶ - انتخابات دشت میشان در چه حال است و چرا گزارش جریان آن نمیرسد دو روز بعد هم تلگرافی به استاندار نموده و دستور میدهد که تا دستور ثانوی از شروع بانخابات خود داری نکنید و در تاریخ ۲۲/۸/۲۸ دستور تلگرافی بر جریان انتخابات صادر و در همین هنگام است که آقای حسین فرهودی بدشت میشان و باتفاق یونس و میر عمادی و بازرسان وزارت کشاورزی در حوزه انتخابیه دشت میشان وارد میشوند بعد از ورود ایشان انتخابات بجرایان افتاده و با عجله هر چه تمامتر یعنی در مدت سه روز برای اخذ آراء تعیین شده بود کار را تمام نموده و در تاریخ ۲۲/۹/۱۱ آقای حسین فرهودی که اساساً معروفیت محلی نداشته از ۷۵۰۴ رأی با اکثریت ۶۷۲۵ رأی انتخاب شده توقیف غیر قانونی انتخابات و تلگرافات بعدی وزارت کشور راجع بجرایان انداختن کار و مقارن بودن جریان با ورود آقای فرهودی در قبول و تلگرافاتیکه محلی در اینموقع کرده اند و بانها یک نوشته اند و بعد از اینکه با عدم معروفیت

محلی بنام آقای فرهودی از صندوق بیرون آمده بخوبی میرساند که دولت در امر انتخابات مداخله کرده و آقای فرهودی را بر آنها تحمیل کرده است .

تشکیل انجمن

راجع به تشکیل انجمن موافق ماده ۱۴ و انتخابات فرماندار محل بایستی ۳۶ نفر از طبقات شش گانه و معتمدین محل برای تشکیل انجمن دعوت نماید و برای اینکه بتواند انجمن را تشکیل دهند باید لا اقل دو نلک اشخاصی که دعوت شده اند حاضر شوند در تشکیل انجمن دشت میشان این قسمت هم رعایت نشده چه آنکه موافق صورت مجلس که در پرونده موجود است بیش از ۱۸ نفر در تشکیل این انجمن شرکت نداشته و از این ۱۸ نفر هم بعضی از آنها اصولاً سواد نداشتند ( مهر نموده اند) این چنین انجمنیکه مخالف قانون تشکیل شده است با اینکه هر عملی انجام داده است عاری از اثرات قانونی است موضوع دیگری که ذکرش لازم است اینست که این انجمن در بدو تشکیل و شروع بانخابات ۱۴۳۵ رأی از بستان اخذ نموده معلوم نیست بعد از شروع مجدد انتخابات با این آراء چه معامله کرده اند آیا ابطال کرده اند یا اساساً قرائت ننموده یا تمام را همین انجمن غیر قانونی در سایر قسمتها انتخابات را موافق قانون انجام نداده پس از اینکه دستور مجدد شروع بانخابات صادر میشود همان انجمن غیر قانونی شروع بانجام انتخابات مینماید و اعمال خلاف قانون انجمن در جریان انتخابات بطور خلاصه بقرار ذیل است :

۱- در آگهی که در تاریخ اول شهریور برای انتخابات منتشر نمود مدت اخذ رأی را ۱۵ روز تعیین میکند در صورتی که در شروع مجدد عوض ۱۵ روز سه روز تعیین وقت نموده یعنی از تاریخ ۲۲/۹/۸ تا آخر ۲۲/۹/۱۰

۲- ۱۳۳۵ رأی که در ابتداء در بستان اخذ شده بود معلوم نیست چه شده چرا قرائت ننموده اند و اگر باطل کردند دلیل آن چه بوده و چرا ذکر اصولاً از آن آراء نکردند .

۳- موضوعی که از همه مهمتر است اینست که این

انجمن طبق صورت مجلس که در پرونده دیده میشود بیکروز بعد از اخذ آراء شروع باستخراج آراء نموده و ۷۵۰۴ رأی را در ۸ ساعت شمرده و قرائت مینماید.

۴ - در روز ۲۲/۹/۱۱ یعنی یکروز بعد از اتمام اخذ آراء و در همانروز قرائت آراء صورت مجلس مبنی بر خاتمه انتخابات تهیه میشود که کاملاً برخلاف مقررات تنظیم و از این صورت مجلس چنین استنباط میشود که بهیچوجه انجمن بکفته که برای وصول شکایت قانوناً مقرر شده است رعایت نموده است و بدین ترتیب در ظرف ۳ روز کلیه انتخابات دشت میشان انجام میدهند در این صورت جلسه اولیه بهیچوجه ذکری از آرائی که در بستان گرفته شده ذکری نشده است

۵ - بعداً متوجه بقضیه صورت جلسه اولی شده برای اصلاح آن صورت جلسه ثانوی در تاریخ ۲۲/۹/۱۸ تنظیم میکنند در این صورت مجلس مینویسند که ۱۴۳۵ در اوایل شهر یورد در بستان اخذ بنا بوصول نامه شماره ۱۵۱۷۱ استانداری از توزیع تعرفه و اخذ رأی خودداری شده در آنجا هم وضعیت این آراء را معلوم نداشته اند

۶ - از همه مهتر این که اکثر امضات و امهار این صورت مجلس با صورت جلسهای که در بدو امر تنظیم شده بهیچوجه تطبیق نمی کند با آنکه اعضاء انجمن تغییر نکرده اند اختلاف از کجا ناشی میشود آیا اعضاء را تغییر داد یا این که خودشان صورت مجلس ساخته اند معلوم نیست

#### معروفیت محلی

بند ۴ ماده ۱۲ قانون انتخابات یکی از شرایط انتخاب شوندگان را معروفیت محلی دانسته است متأسفانه آقای فرهودی که از دشت میشان انتخاب شده اند فاقد این شرط اساسی هستند و آرائی که بنام ایشان در صندوق ریخته شده آراء طبیعی بوده زیرا معروفیت در حوزه انتخابی کسی خواهد داشت که در آن جا سکونت داشته یا مالک بوده یا بوسیله کارهای مهمی که برای کشور یا محل نموده باشد کسب معروفیتی در محل برای خود نموده است و بدین ترتیب زمینیه برای بخود تهیه نماید آقای فرهودی در دشت میشان

نه مأموریتی داشته و نه در مملکت موقعیتی که بتواند در اقصی نقطه مملکت مشهور گردد فلسفه این شرط چیست؟ آقایان نمایندگان میدانند که مجلس شورای ملی دو وظیفه و کار دارد يك کار مشترك که مربوط به تمام مملکت و يك کار دیگر مربوط بامور محلی و این هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند مجلس اگر توجهی بکار های محلی ننماید مجلس شورای ملی نیست و برای اینکه مجلس بتواند این وظیفه خود را اداء نماید اطلاع صحیح میخواهد اطلاع صحیح را اشخاصی می دانند که در محل ها با مردم آن نواحی زندگانی کرده و دردهای آن ها را حس و بزبان محلی آن ها آشنا باشند آنهم کافی نیست بلکه باید اعتماد آن ها را جلب نماید و اهالی محل او را حامی خود بدانند مجلس از يك لحاظ دیگر اهمیت بزرگ ملی و تاریخی دارد برای این که تنها جائی است که میتواند مردم نواحی مختلف را در يك جا جمع نموده و در اینجا و درس همکاری و برادری با یکدیگر را آن وقت با وحدت واقعی که ایدآل همگی ماست حاصل شود آقایان نمایندگان آیا تصور میکنید با و کلاء سفارشی ولو ملائکه هستند این مقصود حاصل خواهد شد آیا بهتر نیست که ما اجازه ندهیم عوض و کلاء سفارشی نمایندگان حقیقی محلی باین خانه ملت بیایند یا اینکه لهجه های مختلف زیبای فارسی را همگی در این تالار بشنویم و عبادت و اخلاق ملت خودمان نزدیک شویم آقایان نمایندگان معروفیت محلی باید یکی از شرایط اساسی مهم انتخاب شوندگان باشد معلوم نیست آقای فرهودی چطور در ظرف مدت قلیلی این معروفیت را در يك محل دوردست پیدا نموده اند که از ۷۵۰۴ رأی فقط ۷۷۹ مخالف داشتند آقایان نمایندگان امروز دولت بوظائف خود عمل نمیکند و برای مردم ایران هیچ حقوقی قائل نیست نه بهداری دارد نه فرهنگ نه ارتش نه امنیت در آتش بدبختی میسوزد و يك حق هم که قانون اساسی و انتخابات برای افراد ایران قائل شده و جداناً نباید گذاشت که وزراء تالایق بی وجدان از آنها سلب نمایند مخصوصاً نواحی سرحدی ما از همه جا بیشتر جوائز اهمیت است نباید

انقدر سهل انگاری شود بمقاطعہ و بایسم بکنفر که هیچگونه معروفیت محلی ندارد در یکی از نقاط سرحدی تحمیل نمود من بدون آنکه عرضی داشته باشم وظیفه وجدانی خود دانستم که عیرایض و اعتراضات خود را در حضور نمایندگان ملت عرض کنم دیگر بسته است بوجدان پاک آقایان که هر طوری مایل هستند قضاوت نمایند.

#### رئیس - آقای امینی .

امینی (مخبر شعبه دوم) - همکار محترم بنده آقای دکتر ایراداتی فرمودند که بنظر بنده جواب دارد عمده ایرادات ایشان راجع به مداخلات دولت بود در انتخابات دشت میشان و فقط مدرکی هم که برای اینکار داشتند تلگرافاتی بود که از وزارت کشور شده بود برای توقیف انتخابات. این موضوع در همه جا سابقه دارد و این قسمت بیشتر در انتخابات آزاد پیش می آید که از سوء جریان و اختلافاتی که هست جلو گیری شود و البته انتخابات مسئول حسن جریانش فقط و فقط وزارت کشور و استناداری و بخشداری است این وضعیتی که پیش آمده استناداری یا بخشداری بوزارت کشور گزارش میدهد و وزارت کشور هم برای اینکه انتخابات را محدود بکند تا حدی که وضعیت روشن بشود در يك موقع معینی و انتخابات را موقتاً توقیف میکنند البته بنده نمیخواهم بگویم که وزارت کشور این حق را دارد شاید این حق را نداشته باشد چون وقتی که انجمن تشکیل شد حسن جریان و نظارت کلی در جریان انتخابات از حقوق حقه انجمن است و وزارت کشور نباید مداخله بکند ولی خوب این جریان را آقای دکتر و تمام ایران میدانند و اطلاع دارند و در قسمت عمده انتخابات این جریان پیش آمده است ولی این دخالت وزارت کشور هم دلیل بر این نیست که این مداخله را کرده اند حتماً آقای فرهودی را انتخاب کنند مداخلاتی را که کرده است ممکن است برفع عمر وزیدی بوده است کما اینکه در پرونده هم ملاحظه فرمودید و بنده اسمی از فرهودی در پرونده ندیدم و اگر آقای دکتر يك شکایاتی را ملاحظه فرموده

باشند يك شکایاتی است از خوانین دشت میشان بوزارت کشور شده است که از خوانین بنی سعد و بنی طرف است و در این قسمت بنده ناچارم بیکی از همکاران محترم خودم آقای نقابت جبارتی کرده باشم در دوسیه ایشان هم شکایتی بود مبنی بر اینکه آقای استاندار مصباح فاطمی ( که نمیدانم با آقای سیف پور چه نسبتی دارند) آقای نقابت را بما تحمیل کرده اند و مداخلاتی کرده اند (مهدی فاطمی اینطور نیست) بنده نخواستم عرض کنم که حتماً اینطور بوده است بنده کاری ندارم که این مطلب واقعیت دارد یا ندارد بنده خواستم عرض کنم يك چنین شکایتی در پرونده بوده است و يك چنین شکایتی شده است و در مورد آقای فرهودی هم اگر شاکی بوده اند برای این بوده است که شخص دیگری را غیر از آقای فرهودی میخواسته اند بآنها تحمیل کنند و آنها میخواستند آقای فرهودی را انتخاب کنند و بنده در پرونده دلیلی بر اینکه این مداخله مستقیماً مربوط با آقای فرهودی باشد ندیده ام و هیچوقت هم نمیخواهم قول آقای دکتر معظمی رفیق عزیز خودم را زدن و تکذیب کنم ولی خیلی میخواستم بدانم که آقای دکتر این قسمت را که این شکایات توجه آقای فرهودی است در کجای این پرونده دیده اند مگر اینکه اطلاعات مستقیمی داشته باشند که بنده نمیدانم (دکتر معظمی توقیفهای بیموقع که کرده اند راجع بآنها بفرمائید) در قسمت توقیف هم تلگرافات زیادی شده است و اشاره فرمودند که اختلافات محلی در پیش بوده است و اینجاست گمان میکنم همان استدلالی که بنده کردم در این قسمت هم وارد باشد برای همین اختلافاتی که در محل پیش آمده است و سوء جریاناتی پیش آمده است و آقای استاندار روی گزارش بخشدار برای اینکه تا حدی حرارت این اختلافات کم بشود مدتی انتخابات را توقیف کرده است و این را هم بنظر بنده نمیشود حمل بر این کرد که توقیف انتخابات فقط دلیل بر این است که استاندار این عمل را برفع آقای فرهودی اقدام کرده است راجع بتشکیل انجمن فرمودند که انجمن طوری تشکیل شده است که مطابق مقررات نبوده است و تمام اعضای انجمن اعتبارنامه را امضاء نکرده اند آنچه که بنده دیده ام در اغلب پرونده ها رعایت این موضوع نشده است

که کلیه اعضای انجمن امضاء کنند و در خود قانون انتخابات هم صراحت ندارد. که کلیه دعوت شدگان امضاء کنند (دکتر معظمی صورت مجلس را باید همه امضاء کنند و نکرده اند) اولاً همانطور که عرض کردم در قانون نسبت باین موضوع صراحت ندارد و در این مورد بخصوص هم رئیس انجمن نظارت بنده نمیدانم که ایشان چقدر سواد داشته اند و بهر حال ایشان زیاد مرد با سواد نبوده اند و از مکاتیبشان و جریان کار او محسوس است که زیاد آشنا به وضعیات قانون و انتخابات نبوده است و بعلاوه در شرحی که بوزارت کشور مینویسند مینویسد که سی و شش نفر دعوت شده اند و امضاء اصلی و علی البدل انتخاب شده که هیچکس نفر نبوده اند نه نفر امضاء اصلی و نه نفر امضاء علی البدل و بنده هم که درست به قانون مراجعه کرده چنین صراحتی ندیدم که کلیه دعوت شدگان باید امضاء کنند و تصور میکنم این ایراد آقای دکتر که چرا همه صورت مجلس را امضاء نکرده اند درست بجا نیست. فرمودند که مدت انتخابات و اخذ رأی را اول پانزده روز معین کرده بودند و بعد تقلیل داده اند به سه روز و تصور میکنم این حق کاملاً با انجمن است و در قانون هم صراحت دارد مخصوصاً در نظامنامه می گوید از يك روز تا ۲۵ روز بسته بوضعیت محل مثلاً اگر انجمن تشخیص بدهد که دو روز برای دشت میشان کافی است خود او این مدت را معین میکند و این تشخیص از حقوق مسلم انجمن است در این قسمت هم که فرمودند قسمتی از آراء را که خوانده اند باسم دیگری بوده است و آقای فرهودی اول کاندیدا نبوده اند در این قسمت هم دلیلی در دست نیست و چون بنده دلیلی ندیدم که آقای فرهودی از اول کاندیدا نبوده اند بنده ادعا میکنم که ایشان کاندیدا بوده اند و اگر جنابعالی دلیل رد دارید ممکن است اظهار بفرمائید فرمودند که کلیه آراء يك روز بعد از آنکه صندوق را باز کردند خوانده شد و در عرض هشت ساعت تمام شد و این موضوع در خیلی از ولایات سابقه دارد و علت این هم بیشتر این است که چون در آنجاها تشتت رأی زیاد نیست و یکی

دو نفر بیشتر کاندیدا نیستند این آراء را اول دسته میکنند و بعد از آنکه سری معلوم شد میخوانند و با این ترتیبش هزار رأی را در هشت ساعت خواندن اشکال ندارد و اگر خواندن آراء در طهران پنجاه روز طول کشید این دلیل بر این نمیشود که در دشت میشان نتوانند این کار را بکنند چون در طهران عده کاندیدا زیاد بود و متجاوز از هزار و پانصد نفر کاندید بودند و الا در هشت ساعت وقتی که مرتب باشد بیش از این را هم میشود خواند. راجع به معروفیت محلی آقای فرهودی ایراد فرمودند، آقای فرهودی اگر بداعی آقای دکتر معروفیت محلی در دشت میشان نداشته باشند يك معروفیت فرهنگی داشته اند که تا يك حدی جبران میکند این را و اگر در دشت میشان يك اشخاصی بوده اند که با سواد بوده اند و به سواد و فرهنگ ایشان احترام گذارده اند و ایشان را انتخاب کرده اند و بعلاوه در اعراب بنی طرف که کسی شاید با سواد نباشد این گناه نمیشود که يك کسی را با سواد بدانند و شایسته بدانند از میان خودشان انتخاب کنند و اگر در این مورد حسن سلیقه بخرج داده اند گناهی نکرده اند و از طرف دیگر بطوریکه بنده اطلاع پیدا کردم در موقعی که خوانین بنی طرف به طهران تبعید شده بودند با ایشان سوابق خیلی زیادی پیدا کرده بودند و روی محبتی که آقای فرهودی در طهران از آنها جلب کرده بودند خوانین فریفته شدند و در این موقع خواسته اند جبران محبتها و خدماتی را که آقای فرهودی با آنها در طهران کرده اند جبران کرده باشند و این را بنده یقین دارم که نیت آقای دکتر کاملاً پاک است و ایشان را یکی از وکلای حقیقی و مبرز مجلس میدانم و در این مورد هم واقفاً جز رعایت اصول هیچ منظور دیگری ندارند و بنده حقیقتاً هیچوقت بخودم اجازه نمیدهم که در مقابل آقای دکتر معظمی گفته های ایشان را تردید کنم و یا حقیقتاً ایرادی بایشان وارد بدانم برای اینکه ایشان را اینطور تشخیص میدهم که از اشخاصی هستند که جز نیت صاف و مشروطه خواهی منظور نمی دارند بنا بر این در این مورد بخصوص میخواستم از ایشان استیضا کنم که رعایت بفرمایند

حق کشی نشود زیرا بشهادت خود آقای دکتر که در شعبه شاهد پرونده های زیادی بودند جریان انتخابات اغلب نقاط باور بفرمائید که بدتر از این انتخابات بوده است و شاید میشود گفت که یکی از پرونده هائی که بنظر بنده خیلی تمیز بود و کمتر شکایتی درش بود همین پرونده بود و اگر در جریان انتخابات جریان زیاد به نفع خوانین نبود مسلماً اعتراضات و شکایات زیادی میکردند و مخصوصاً با وضع فعلی خوانین ایلات که تصدیق میفرمائید که امروز همه مسلح هستند و تقریباً از يك دستوری اطاعت نمیکنند و بنده تصور میکنم که اگر آقای دکتر يك قضاوت عادلانه بفرمایند نباید در خصوص نمایندگی آقای فرهودی زیاد سخت گیری بشود برای این که دلایل قطعی و مسلمی در پرونده نسبت به مواردی که فرمودند نیست خاصه این که آقای فرهودی جوانی است تحصیل کرده و فهمیده و جنابعالی از کجا میدانید که در آتیه از وجود ایشان نتوان استفاده های خوب برای مملکت کرد و بنده از تمام همکاران خودم استیضا دارم که در مورد آقای فرهودی يك توجهی بفرمایند که يك قتل سیاسی واقع نشده باشد.

**بعضی از نمایندگان** - کافی است مذاکرات.

**نقابت** - اجازه میفرمائید بنده يك مختصر عرضی دارم (نمایندگان - بفرمائید) بنده میخواهم در ضمن اینکه تذکر بجا عرض کنم يك توضیحاتی داده باشم. خیلی از نقاط است از جمله دشت میشان که شاید در ظرف دوسالی که عمر سیاسی مجلس تجدید شده است يك بار هم اسمش برده نشده است بدو بنده باید عرض کنم دشت میشان کجا است. دشت میشان در سرحد ایران و عراق است در بیست و پنج فرسخی مشرق عراق واقع میشود کنار رود کرخه و اینجا سه محل است بستان و خفاجیه و يك جای دیگر قبلا و کیلش مرحوم شیخ جواد از کانی رحمة الله علیه بوده است و اینجا مرکز عشایر است و دو طایفه است یکی سعید و یکی سیاح که در آنجا زندگی میکنند و يك مشایخی داشتند که عبارت بودند از شیخ سرتیپ و شیخ مولانا نصراله و شیخ خزعل و

دو سه نفر دیگر و این اشخاص طرف بغض حکومت سابق بودند و مدت بیست سال در زندان طهران زندگی میکردند و این اشخاص گاهی بمرحوم آقا شیخ جعفر ارکانی مراجعه میکردند ولی ایشان جواب رد نسبت به تقاضاهای آنها میدادند و شاید از نظر سیاسی وقت در محظور بودند باین جهت در آنها کدورتی نسبت به مرحوم ارکانی پیدا شد و در این دوره دیگر میل نداشتند آقای شیخ جواد ارکانی را انتخاب کنند و بر گشتند از ایشان قانون تقسیم اراضی خوزستان که تصویب شد با زحمانی که آقای سرلشکر معینی کشیدند که حالا به پاس آن خدمات متقاعد شده اند هفتاد هزار خانه بدون هفتاد قران مخارج در آنجا ساختمان شد و قانون تقسیم اراضی به سعی و کوشش ایشان پیشنهاد بدار شد و بعداً هم تصویب و اجرا شد تمام این طوایف سید و سیاح يك زندگی آب و خاکتی پیدا کردند. مشایخ که از اینجا بر گشتند آن قاعده تقسیم اراضی را بهم زدند و دومرتبه اراضی را متصرف شدند و حتی يك اسلحه هم بدست آنها افتاد و جوابی بمامورین دولت ندادند و امروز دارای قدرت هستند. دشت میشان معارف ندارد مدرسه ندارد دو مقال کنین ندارد مرکز مالاریا است هیچ چیز ندارد این است وضع عمومی آنجا توجه بفرمائید بنابراین کسی که از دشت میشان بخواهد انتخاب شود غیر از همان شیخ سرتیپ و شیخ خزعل و مولانا نصراله کسی دیگر را لازم ندارد اصلاً وضعیت محلی اینطور است اصلاً اشخاص تحصیل کرده آنجا ندارد یا از خارج کسانی رفته باشند آنجا و پایدار باشند نیست که بتواند از آن محل انتخاب شود خلاصه در تاریخ ۱۵ مرداد انتخابات خوزستان شروع شد وزارت کشور دستور داد انجمن ها هم شروع کردند ولی وزارت کشور بعلت تصادف با ماه رمضان دستور داد انتخابات را تعطیل کنند و در ضمن استاندار خوزستان بعلت اینکه سه چهار نفر از آنجا خارج شده بودند بتهران احضار شد و آمد به تهران و مدتی در تهران ماند در سوم شهریور بنده خودم از خوزستان آمدم به طهران دیدم در تهران يك کمپلومی تشکیل شده است که بجای نقابت در خرمشهر کسی دیگر را بگذاریم

برای اهواز هم يك كسى ديگر را بگذارند و حتى اشخاصى هم پيدا شدند كه صحبت ميکردند از چهل هزار تومان تا پنجاه هزار تومان هم ميدهند و صحبت شده بود كه استاندار اين پولها را بگيرد و آنها را انتخاب كند و چون آقاى استاندار مردش ريفى بود زير بار نرفت و آقاى فرهودى هم خيال نميكنم سرمايه داشته باشند كه بتوانند يك چنين پولى را خرج كنند پس اين جريان پيش آمد و در سوم شهريور كه استاندار در طهران بود جريان انتخابات توقيف شد و در چهارم شهريور استاندار برگشت و وقتى كه برگشت بخشدار محل در تحت تاثير مشايخ محل بادستور توقيف برخلاف جريان واقعى شروع کرده بود به رأى گرفتن و تقريباً هزار و دويست رأى گرفته بود و ترتيب را هم طوري داده بودند كه شيخ سرتيب انتخاب بشود اين بود كه استاندار با اعتراض كرد كه برخلاف دستور مركز شما نميبايستى شروع كنيد چون هيچ جاى خوزستان شروع نكرده اند و بعد از اين جريان مدت ها انتخابات آنجا در حال توقيف بود تا انتخابات اهواز تمام شد انتخابات خرمشهر تمام شد انتخابات دزفول آقاى اسعد هم قبل از وقت تمام شده بود و اين جريانات خاتمه پيدا کرده بود آقاى فرهودى در شهر يور آمد به خوزستان و مدتى تا آذرماه در آنجا اقامت كرد و باتفاق رئيس فرهنگ آنجا مكرر بدشت ميشاف رفت و با آن چند نفر مشايخ آنجا تماس گرفت و مردم هم چون شنوائى از اين چند نفر مشايخ دارند و در صورت موافقت مشايخ با يك موضوعى اطاعت ميكنند با نوسيله آقاى فرهودى خودشان را كنجانند در محل و معرفى كردند و وارد شدند و البته در محلى كه اشخاص شايسته نبودند و كانديدى در آنجا نبود ايشان خودشان را در دشت ميشاف كانديد كردند و البته اين هم اشكالى ندارد چون يك حق سياسى است و هر كس حق دارد از اين حقوق اجتماعى استفاده كند و خود را در يك جايى كانديد كند چنانكه در طهران ديديم در حدود هزار و پانصد نفر خودشان را كانديد کرده بودند ايشان هم در آنجا خودشان را كانديد كردند و دو كانديد ديگر هم در آنجا بود يكى شيخ سرتيب و يكى هم آقاى وزير نظامى بود

که و كيل عدليه و اهل طهران است و مدتى است در اهواز مقیم شده است و ميگفتند كه ايشان حركت كردند با آنجا و خرج هم کرده اند و خرجشان اين بود كه چون هوا گرم بود دوسه تا كاميون هندوانه برده بودند بآن جا اين تمام جريانات و وضعيت انتخابات بود ايشان هم شروع كردند نهايت اين است كه با آن وضعيتى كه آن جا بوده است ايشان هم انتخاب شده اند و حالا راجع بوضعيت انتخابات كه چه طور بوده است و انجمن چه جور تعيين کرده است از حيث فرم و از حيث تشریفات اشكالى وارد است بنده چون عضو شعبه نبودم كه پرونده را به بينم البته قول مخبر حجت است و آقاى بانی هم كه عضو بودند. باز هم شنيدم كه شيخ سرتيب كانديد محل بود و از طايفه سعيد بود زيرا طايفه سياح مطيع سعيد هستند آن هم بنبفع آقاى فرهودى صرف نظر کرده بود و با ايشان موافقت کرده بود اين تمام جريان انتخابات است در طهران يكى از اكثر ها كه اسم را بنده نمى برم چون مقتضى نيست كه در انتخابات اسم برده شود در طهران داوطلب بود كه يكى از جاهای دشت ميشاف يا از خرمشهر يا از اهواز يا از دزفول از هر كجا باشد و كيل شويكى گفت من عاشقم گفتمند به كى؟ گفت به هر كسى بفرمائيد ايشان هم عاشق بود در روز نامه ها هم نوشته بود به من هم فحاشى کرده بود چه کرده بود خيال مى كرد كه بنده آن جا داوطلب بله بنده معروف خوزستان بودم چندين سال رئيس عدليه بودم با اين مردم كار ميكردم در آن موقع كه اداره سياسى اجازه ورود كسى را بآن اطراف نميداد بنده به شهر باني رفته بودم و با آنها پول داده بودم و با آنها صحبت کرده بودم ولى بنده در آنجا داوطلب نبودم كه از آنجا انتخاب شوم كه آقاى امينى بآن اشاره فرمودند.

**نمايندگان** - رأى بگيريد. رأى.

**رئيس** - رأى ميگيريم به پرونده آقاى فرهودى موافقين قيام نمايند. (اكثر برخاستند) تصويب شد. پرونده آقاى جواد مسعودى مطرح است.

**فاطمى** - بنده چون مى بينم كه بحمدالله امروز روز

خوبى است برخلاف آن روز هاى قبل ميخواستيم بواسطه ارادت قديمى كه نسبت با آقاى فرخ دارم از ايشان استدعا بكنم كه ايشان هم مخالفت خودشان را در اين پرونده مسترد بفرمايند و جمعى از رفقاى خود را متشكر بفرمايند.

**فرخ** - مخالفت بنده با انتخابات دماوند مبني بر دواصل بود ولى متأسفانه اينطور تعبير شده است كهسه براى و كيل شدن كانديداهائى ديگر مخالفت كردم براى رفع اين سوءفاهيم بنده از هر گونه اظهارى خوددارى ميكنم و كرسى نطق را واگذار به ناطق بعد ميكنم.

**دكتر معظى** - گرچه من با آقاى مسعودى هيچگونه غرضى از لحاظ شخصى ندارم و تصور ميكنم صدق اين نكته را خود ايشان هم گواهي بدهند ولى چون وضع ناهنجار انتخابات دماوند طوري لباس عمل پوشيده است. كه واقعا هر ايراني منصفى را متأثر ميكند و غمگين ميسازد ناچارم از لحاظ مصالح عمومى و خطراتى كه از لحاظ انتخابات فاسد متوجه مشروطيت جوان و دموكراسى متزلزل ما ميشود عريضى عرض كنم و اين نكته را نيز اضافه ميكنم كه نظر به همين جريان نامطلوب انتخابات كه از هر حيث برخلاف اصول قانون بوده و نتيجه انتخابات دماوند بنبفع هر كس كه باشد و هر كس با اين انتخابات نماينده آنجا معرفى ميگرديد باز جاي اعتراض و انتقاد براى من باقى ميماند و اگر آقاى اورنگ يا نيك پور هم كه رقيب آقاى جواد مسعودى بودند موفق به پيشرفت در انتخابات ميشدند باز جاي اين اعتراض براى بنده باقى ميماند و با نمايندگى آنها هم امروز اعتراض ميشد علت اين اعتراض اين بود كه اين انتخابات فقط و فقط روى تطميع و خريد و فروش رأى انجام گرفت و اين عمل غيرقانونى بدبختانه از طرف هر سه نفر نامزد انتخاب صورت گرفت شكايات متعددى كه در اين زمينه از طرف اهالى دماوند رسيده است و اعتراضاتى كه در پرونده ضبط شده است تماماً مؤيد اين نظريه است مدار كى كه موجود است بخوبى ثابت ميكند كه آقاى اورنگ و نيك پور و مسعودى نا آنجا كه توانسته اند در تطميع مردم بعد اعلنى كوشيده اند

بعدى كه انتخابات دماوند را در حقيقت بصورت حراج يك كلای بازار گاني در آورده اند. اگر مجلس شورای ملی در اينگونه موارد واضح و آشكارا از تضییع حقوق عمومی اجناعت نکند در آینده خطر بزرگی آزادی مردم را تهدید خواهد کرد و فساد اجتماعی كه بدبختانه در نتیجه فقر و فلاکت عمومی روزافزون است اصلاح ناپذیر خواهد شد و كيلی كه با پول خرج كردن انتخاب شود و آراء مردم بی زبان را مانند قند و كشمش و اتومبيل وغيره خريدارى كند و كيل نيست و بر فرض هم كه سوء جريان امور مملكت او را و كيل معرفى نمايد هيچگونه اثر مفيدى بر اقدامات او مترتب نخواهد شد چنين و كيلی رابطه قلبی و اجتماعى و سياسى با موگل خودش نخواهد داشت چنين و كيلی بحال موگل خود دلسوزى نخواهد كرد چرا؟ براى اينكه با پول نمیتوان جلب اعتماد نمود براى اينكه با پول نمیتوان دردهاى مردم را تشخيص داد حس كرد و در صدد مداوا و درمان برآمد براى اينكه پس از توفيق در انتخابات يك و كيل رأى خر ذمه خود را از هر گونه دينى نسبت بموگل رأى فروش برى ميداند و اين و كيل پولی داده و جنسى خریده و ديگر جای شكایت برای انتخاب کننده باقی نیست و بنا بر این اگر آن نماينده قديمى برخلاف مصالح عامه بردارد واقعا ديگر مسئوليتى ندارد بر اساس اين حقايق مسلم است كه قانونگذار ما در ادوار مختلف مجلس تهديد و تطميع در انتخابات را جرم دانسته و مرتكب را مستحق مجازات تشخيص داده است و عمل تطميع و تهديد و تقلب در انتخابات كه فقط از لحاظ عقلى قابل عفو نيست بلكه از لحاظ همين قوانين ناقص ماهم مذموم و پليد و قابل مجازات است. براى روشن شدن ذهن آقاى بانی موادى را كه در قانون انتخابات و در قانون مجازات عمومى قيد شده است بعرض ميرسانند.

ماده چهل و چهارم - انتخاباتى كه مبني بر تهديد يا تطميع بوده باشد از درجه اعتبار ساقط است و تهديد و يا تطميع ككننده از سه ماه الى يك سال حبس مى شود و براى يك الى دو دوره انتخابيه از حق انتخاب محروم خواهد بود.

ماده بود و دو قانون مجازات - هر کسی آراء انتخابیه را بخرد یا بفروشد در مدت شش سال از حقوق مذکور در ماده ۱۵ و مشاغل دولتی و ملی محروم خواهد شد بمعاذ خریدار به صد الی هزار تومان و فروشنده بحسب تأدیبه از هشت روز الی يك ماه یا به پنج الی پنجاه تومان غرامت محکوم خواهد شد. البته با این اطلاعات و وقوفی که اکثر آقایان نمایندگان بقوانین کشور دارند جای تفسیر و توضیح این مواد برای من باقی نمیماند و وقت همکاران محترم خود را برای تشریح روح و مفهوم قانون نمی گیرم البته تصدیق می کنم که با وضع عمومی کشور و تشکیلات اجتماعی و اقتصادی ایران انتخابات بدون نفوذ وجود ندارد و اگر درست دقت کنیم مشاهده می نمائیم که اصولاً انتخابات در هر نقطه دنیا روی يك نوع نفوذ مخصوص انجام می گیرد منتهی نفوذی که در کشورهای دیگر بکار میرود نفوذ حزبی اخلاقی اجتماعی سیاسی است در مملکت ما بطور کلی انتخابات روی نفوذ مالکین و روحانیون و سرمایه داران یا اشخاصی است که در نتیجه حسن خدمت به جامعه و ابراز شهامت در بعضی مواقع و جاهت ملی تحصیل کرده اند بدبختانه این قسمت اخیر مورد پیدا می کند با تمام این احوال انواع نفوذ هائی که در ایران اعمال میشود لااقل منطقی دارد و کم و بیش رابطه مسئولیتی بین وکیل و موکل ایجاد می کند و حال آن که انتخابات تطمیعی جز فساد و فساد اخلاق مردم و پاشیدن تخم نفاق بین اهالی يك محل اثری از خود باقی نمی گذارد و بالفرض که چنین و کیلی شخصاً مطلع و دانشمند باشد همین عمل او کافی است که کلیه خصائل او را زایل نموده و اثری بر عالم و فضل او مترتب نشود این که من بانصوب اعتبار نامه آقای جواد مسعودی مخالفت کردم. برای خاطر خود ایشان نیست زیرا که بنده با ایشان خصومتی ندارم بلکه تقاضای من این است که کسان دیگری نیز که رقیب ایشان بوده اند و باعمال قابل مجازاتی دست زده اند خلاصه انتخابات دماوند را بصورت مخدوش مقتضی در آوردند نیز مورد تعقیب قرار گیرند تا درس عبرتی برای عموم بشود و

کشور بابت ادستان و سایر مراجع شده است که در پرونده موجود است با اطلاع بکیفیت این انتخابات تصور می کنم دیگر جای تردید نیست نتیجه انتخابات دماوند باقی نباشد من از لحاظ وظیفه اجتماعی و وجدانی خود اعتراضات خود را بیان کردم و البته قضاوت نهائی با خود آقایان است.

**امینی** - بنده متأسفم از اینکه همیشه معترض آقای دکتر معظمی هستم و مخبر شعبه بنده (یک نفر از نمایندگان خوشبختانه) بلی در قسمت انتخابات اعتراضاتی فرمودند که مبنای آن شکایاتی است که بوسیله يك عده معدودی از آقایان از دماوند شده است اگر درست آقای دکتر دقت فرموده باشند بیشتر شکایات بوسیله آقای قدوسی نامی است که با نهم رسیده است یا به شعبه در آنجا پرونده آقای جواد مسعودی را مطالعه می کردیم از آقای قدوسی بنده سؤال کردم که چه نسبتی با آقای نیکپور دارند ایشان گفتند که از منسوبین نزدیک هستند و يك قرابت خیلی نزدیکی با آقای نیکپور دارند و آدرس ایشان را سؤال کردم معلوم شد که ایشان ساکن دروازه شمیران و خیابان مازندران هستند و لذا مقیم دماوند نیستند شکایات تقریباً ده امضاء داشت که اغلب آنها از منسوبین کاندیدهای دماوند هستند یا نزدیک آقای نیکپور یا نزدیک به آقای اورنگ البته بند ۹ قانون را اگر آقای دکتر ملاحظه فرموده باشند کسی حق تعرض بانخابات را دارد که مقیم آن محل باشد یا لااقل شش ماه در آنجا سکونت داشته باشد آقای قدوسی و آنهایی که امضاء کرده اند بهیچ عنوان حائز این شرط نبوده اند بنابراین بنده اعتراضات آنها را غیر وارد میدانم و اعتراضات اینها اصولاً مبنائی نداشته است عرض کنم شکایت می کنند که تهدید علنی شده است مدرکی ندارند شکایت می کنند که رأی خریده شده است در صورتیکه مدرکی نیست شکایت می کنند که آقای مسعودی شرحی نوشته اند به برادرشان راجع باین کار در صورتیکه شرحی که نوشته اند ایشان به برادرشان که بروید فلان رئیس اداره را ببینید یا فلان کار را بکنید یا فلان رأی را بخیرید

هیچیک از اینها در پرونده ایشان دیده نمیشود آنچه که بنده اینجا عرض می کنم از دو جهت است یکی از لحاظ اینکه مخبر هستم و دیگر اینکه یکی از دوستان صمیمی آقای مسعودی هستم و بنده در این مورد اگر خیلی با احساسات حرف میزنم اگر مخبرم معذرت میخواهم انتخابات دماوند را بنده يك مسابقه میدانم که در آنجا هر که بیشتر نفس داشته است به مقصود رسیده بنابراین مبارزه انتخابات آزاد در دماوند شده است و دوتای از این کاندیدها اشخاص با سابقه در مجلس بوده اند اگر انتخابات دماوند بضر پول انجام گرفته باشد آقای نیکپور که از آقای مسعودی بیشتر پول داشته اند و به تصدیق همه آقایان یکی از تعزیه گردانهای مجلس سیزدهم بوده اند در هر صورت بنده میتوانم تصدیق کنم که چون این شخص از همه جوان تر بود و نفسش بیشتر بود این کورس و مسابقه را برده بنده واقعاً چون خیلی راجع بانخابات دماوند صحبت هائی شنیده بودم خودم رفتم دماوند اولاً غرض بنده از این رفتن يك تماشائی بود خود بنده هم تصدیق دارم که در آنجا اقدامات زیادی از طرف هر سه نفر کاندیدها شده بود عرض کنم که موافقین و مخالفین طرفین آنجا صف آرائی کرده بودند و شاید بعضی هم چاقو داشتند ولی بنده ندیدم (ترافی - برای چه رفتید؟) بنده شخصاً رفتم و علاقه نداشتم جز اینکه بفهمم این هیاهو برای چه بوده است و با انومبیل شخصی هم رفتم آقای جواد مسعودی را وقتی در رادیو شنیدم که موفق شدند بعد از این لوت و مبارزه علنی که آنجا دیده بودم حقیقه حفظ کردم و لذت بردم همان شب واقعاً دیدم که فقط کسی که میتواند آن مسابقه را ببرد همین جوانی است که پشتکار خود را در آنجا بخرج داد و چندین شب بود که اصلاً نخوابیده بود و وقتی که او را دیدم حقیقه شناختم بقدری ضعیف شده بود که حد ندارد و بایشان گفتم که واقعاً کسی که اینطور زحمت میکشد لابد در آتیه میخواهد به مملکت يك خدمت فوق العاده بکند کسی که واقعاً با این پشت کار در مبارزه انتخاباتی داخل میشود يك نیت پاکی برای خدمت به مملکتش دارد

و باور بفرمائید که اگر بنده و خود آقایان بجای متوکلین  
دماوند بودیم چه جور تعبیر میکردیم سه نفر آنجا حاضر شدند  
برای انتخاب دو نفر از این آقایان را علناً دیده بودیم در  
این کرسی که قبلاً اشغال کرده بودند اثر زیادی از خودشان  
ننگناشته بودند البته ایشان يك جوانی است مدیر روزنامه  
است و این يك مدیر روزنامه نیست که کودتا بکند .

**اقبال** - شما این حق را ندارید . !

**امینی** - این حق را بنده دارم . ( زنگ ممتد رئیس )

بنده هیچ اسمی نبردم اسم هیچکس را نبردم ایشان مدیر  
يك روزنامه هستند خود من هم مدیر روزنامه هستم مقصود  
خودم بودم راجع بمعرفیت محلی آقای مسعودی در دماوند  
چون حوزه انتخابیه ایشان زیر گوش شما است متأسفانه  
صدای آنجا بگوش شما رسیده است بگویم جاهای دیگر  
واقعاً دقت میفرمودید این قبیل صداها خیلی بیشتر در  
جاهای دیگر بود ولی چون دماوند خیلی نزدیک بطهران  
بود این صدا خیلی نزدیک بگوش بود و بنظر بنده در این  
مورد مخصوص و کیل طبیعی دماوند هستند مخصوصاً روی  
مختلص به سبب رقبای خود واقعاً با آن دو نفر اگر مقایسه  
میکردید جناب عالی اگر موکل دماوند بودید به ایشان رأی  
میدادید و فکر میکردید این شخصی را که تازه وارد شده  
است شاید يك کاری برای مملکت انجام بدهد بنده منکر  
نیستم که واقعاً انتخابات دماوند يك انتخابات ایدآلی نیست  
مسلاً يك انتخاباتی است که در قبال کار این مملکت جار  
وجنجال زیاد شده است خلاصه در آنجا که اشخاص بهلوانی  
وارد میدان بوده اند و در این قسمت ایشان پیش برده اند و  
بنده در این قسمت واقعاً تمنا دارم از آقایان علاوه بر اینکه  
بنده سمت مجبری دارم تمنای عاجزانه دارم نسبت بشخص  
ایشان که فوق العاده بایشان ارادت دارم این قسمت را نسبت  
بایشان در نظر بگیرند .

**رئیس** - آقای فلطمی .

**فلطمی** - بنده موافقم .

**رئیس** - آقای هاشمی :

**هاشمی** - لازم میدانم برای اینکه آقایان تماشاچیان  
بر چگونگی کیفیت شعبه نسبت بيك پرونده اطلاع حاصل  
کنند چند کلمه معروض دارم شعبه در حکم يك قاضی است  
يك محکمه است ملاک و مستند هم همان محتویات پرونده  
است و بدیهی است آن کسیکه وضع انتخاب يك حوزه را  
به نفع خود خاتمه داده آن قطعاً ملتفت این نکته بوده  
است که سعی بکنند کاری بکنند که محتویات آن پرونده تا  
اندازه سندیت بر علیه انتخابش نداشتند باشد و بنده که یکی  
از اعضای آن شعبه بودم بدون توجه باینکه آقای مسعودی  
نماینده هستند یا مدعیان ایشان چون بهمه ارادت داشتم  
آنچه در خارج عنوان میشد و محروم الو کاله ها میگفتند  
در پرونده انعکاس نداشت چونکه علم و اطلاع قاضی هم  
بهیچوجه نمیتواند مدرک باشد حتی تشریف بردن آقای  
امینی که تشریف برده اند و خودشان شاهد قضیه بوده اند  
البته شهادت میدهند ولی مدارک و محتویات پرونده درش  
چیزی نبوده ما ملاکمان پرونده ایست که در دست است و  
از اهل محل شکایتی نشده بود و چیزهایی را که نسبت دادند  
نبود از این جهت بنده رأی دادم و به دوستان خود هم  
نسبت بنوبه خود رأی دادم ولی چون يك مذاکراتی میشود  
که جنبه دوستانه و جنبه شخصی آن بیشتر است حتی  
خدمت آقای امینی هم تذکر میدهم که هر وقت مجلس  
بناطقی اعتراض کرد باید ناطق حاضر شود و زود مطلب  
را درك کند و قانع بشود در مقابل رأی مجلس چون تشخیص  
مجلس و تشخیص پنجاه شصت نفر بهتر از تشخیص یک نفر  
است اینجا يك مذاکراتی شد برای اینکه تصور نشود روی  
قضایای دوستانه است خواستم این را عرض کنم که در  
پرونده آقای مسعودی ایراد قانونی که بشود رد کرد نمایندگی  
آقای جواد مسعودی را وجود نداشت و ایراداتی که در  
پرونده شده و هست کافی نیست .

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است رأی بگیرید

**رئیس** - رأی گرفته میشود بنمایند کسی آقای جواد

مسعودی آقایان موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب

شد . پرونده آقای روحی از جیرفت مطرح است ؟ ( امیر تیمور  
بنده اجازه میخواهم ) .

**رئیس** - آقای امیر تیمور .

**امیر تیمور** - عرض کنم در چندی قبل که ما جلسه  
خصوصی داشتیم و حضرت آقای فرمند بیانانی در آن  
جلسه خصوصی فرمودند و در ضمن آن بیانات يك شعر از  
مثنوی مولوی فرمودند که از آن روز تا بحال بنده کاملاً  
تحت تأثیر آن يك فرد شعر واقع شده ام و آن شعر این  
بود ، از محبت خارها گل میشود .

بنده چون اطمینان به محبت ایشان دارم خاصه در مورد  
نماینده محترم آقای روحی که در ادوار مختلفه نمایندگان  
داشته اند و با نهایت صداقت و صمیمیت وظایف خودشان را  
انجام داده اند و یکی از نمایندگان آزادیخواه بوده اند  
بنده تمنا میکنم که آقای فرمند بمقاد همان شعر که آنروز  
فرمودند و يك سرمشق مهمی است مخالفت خودشان را پس بگیرند  
( فرمند - پس گرفتم ) .

**رئیس** - رأی میگیریم بنمایندگی آقای روحی آقایان  
موافقین برخیزند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد .

**رئیس** - پرونده آقان دری از درج مطرح است ( اقبال  
عرضی دارم آقا ) .

**رئیس** - آقای اقبال .

**اقبال** - بنده پیشنهاد میکنم خود آقای دری و آقایانی  
که مخالفت کرده اند موافقت بکنند که امروز پرونده ایشان  
از دستور خارج شود این را بنده مصلحت میدانم که عرض  
میکم ( مخالفی نیست ) .

**رئیس** - پرونده آقای حسن اکبر از فومن مطرح است ؟  
آقای امیر تیمور .

**امیر تیمور** - مراتب لطف و محبت حضرت آقای ضیاء الملک  
نسبت به بنده بقدری زیاد است که اجازه میدهند مراتب  
تمنایی که در مورد پرونده آقای روحی از ایشان کردم در  
مورد آقای اکبر هم آن تمنی را تجدید کنم . خاصه که آقای  
اکبر يك شخصیت مهمی در حوزه کیلانات دارند و با خانواده

آقای اکبر خودشان سوابق شخصی و خانوادگی زیادی  
دارند و انتخاب آقای حسن اکبر هم بطور طبیعی جریان  
یافته و ایشان يك نماینده واقعی میباشند این است که  
استدعا دارم در این مورد هم این لطف فرمائید و مخالفت  
خودشان را مسترد فرمائید .

**بعضی از نمایندگان** - همه این استدعا داریم .

**فرزند** - پس میگیرم .

**رئیس** - رأی میگیریم به پرونده آقای حسن اکبر  
آقایان موافقین قیام فرمائید ( اکثر برخاستند ) تصویب شد .

**رئیس** - آقای مجد ضیائی .

**مجد ضیائی** - استدعا میکنم پرونده آقای ساسان را  
مطرح فرمائید ؟

**رئیس** - پرونده آقای د کتر رادمنش از لاهیجان مطرح  
است ؟ آقای اقبال .

**اقبال** - عرض کنم بنده لازم میدانم چه بکلمه راجع بایشان  
عرض کنم آقای د کتر رادمنش از بهترین جوانان تربیت  
شده و تحصیل کرده این مملکت اند بنده خودم در اروپا  
وضعیت ایشان را از نزدیک دیده ام و بمناسبت دوستی و نزدیکی  
و رفاقت زیادی که با برادرم د کتر اقبال دارند معتقدم که  
کمتر کسی در اروپا بوظایف خود بخوبی ایشان عمل کرده  
است و تحصیلات خودشان را انجام داده اند و يك تذکر  
دوستانه دیگر بایشان دارم که در حضور مجلس شورای ملی  
عرض میکنم و آن این است نمایندگان گایی که در مجلس شورای  
ملی جمع میشوند همه وطن پرست و همه علاقمند به مملکت  
خودشان میباشند و در مطالب سیاسی و مطالب اجتماعی و  
یکار مملکت باید بیايد حسن نظر و وفاقتی همکاری کنند اگر  
در بعضی از مسائل هم اختلاف نظر و عقیده دارند عقیده هر کسی  
برای خودش محترم است و باید دیگران هم به عقیده  
او احترام کنند در دو جلسه تاریخی در مجلس شورای ملی  
که اعتبارنامه آقای سید ضیاء الدین مطرح شد مخالفینی  
مانند آقای د کتر مصدق که سوابق آزادیخواهی و مهن پرستی  
ایشان بر همه آقایان روشن است صحبت کردند جوابهایی هم

از طرف آقای سید ضیاء الدین داده شد و مجلس با کمال بی طرفی و بدون اینکه تحت تأثیر هیچ فردی واقع شود رأی خودش را نسبت باعتبار نامه ایشان داد بنده از آقای دکتر رادمنش بهیچوجه متوقع نبودم و برخلاف حیثیت اخلاقی و علمی ایشان میدانم که اکثریت مجلس شورای ملی را این طور مورد تقبیح قرار دهند و آن مطالب را در روزنامه مردم بنویسند که بهیچوجه شایسته نیست اقلیت و اکثریت مجلس هر دو محترمند و عقیده هر کسی برای خودش محترم و قابل احترام است این مقدمات را برای این عرض کردم که بنده و یک عده از آقایان همکاران محترم خودم که با اعتبار نامه ایشان مخالفت کردند (تصور میکنم آقای کاظمی و آقای امیر تیمور باشند) از آقایان استدعای میکنم مخالفت خودشان را پس بگیرند و مجلس هم اعتبارنامه ایشان را با اهمیتی که در خود مقام علمی ایشان است تصویب نماید.

**رئیس -** آقای امیر تیمور.

**امیر تیمور -** مخالفت بنده با اعتبار نامه آقای دکتر رادمنش بطوریکه قبلاً هم به یکی از دوستان خودم گفته بودم فقط از نظر نگارشات روزنامه ایشان بود که در یک موضوع بخصوص مرقوم فرموده بودند و بعد هم که آقای دکتر فرمودند که من در آن موقع نبودم و اطلاع ندارم بنابراین برای بنده جای مخالفت باقی نماند بنده موافق هستم و برای ایشان نمایندگی مبارک است و امیدوارم که ایشان در مجلس شورای ملی موفق بیک خیمانی بشوند و همانطور که عرض کردم ایشان هم باید سعی داشته باشند که بارقها همکاری و وحدت داشته باشند و خدمتی هم که میخواهند بنمایند با وحدت نظر مجلس شورای ملی بهتر انجام خواهد گرفت (نمایندگان - صحیح است).

**رئیس -** آقای کاظمی.

**کاظمی -** بنده هم مخالفتی ندارم و موافق هستم.

**رئیس -** رأی گرفته میشود پزورنده آقای دکتر رادمنش از لاهیجان آقایان موافقین برخیزند؟

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

با سایر آقایان و همان اشخاصی که پای اعتبارنامه سه نفر آقایان دیگر را امضاء کرده اند و نمایندگیشان بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است همان امضاها است (بعضی از نمایندگان - رأی رأی)

**رئیس -** رأی میگیریم بانتخاب آقای ساسان از کرمانشاه آقایان موافقین برخیزند؟ (اغلب برخاستند) تصویب شد.

**رئیس -** سی و پنج دقیقه بظهر رسمیت جلسه را اعلام میکنم (بعضی از نمایندگان - مبارک است انشاء الله)

**رئیس -** آقای طوسی.

**طوسی -** بنده میخواهم عرض بکنم مبیانتهی ندارد رسمیت جلسه با طرح دوسه فقره پرونده دیگری که موجود است بنابراین بنده خواستم استدعا بکنم که این دوسه فقره را هم مطرح بفرمائید که تکلیف آنها هم معلوم شود. (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

**رئیس -** آقای هاشمی.

**هاشمی -** درست است در نظامنامه مصرح است که پس از رسمیت مجلس میتواند اقدام کند ولی سابقه مجلس این بوده است و نباید این سابقه را بهم بزیم.

**رئیس -** آقای عامری.

**عامری -** خواستم عرض کنم با صراحتی که در ماده نظامنامه هست که ممیز کرده است دیگر سابقه خیلی صحیح نیست زیرا سابقه را در جاهائی ملاک قرار میدهند که صراحت نباشد.

و البته سابقه سابقه است ولی در اینجا آئین نامه داخلی صراحت دارد و قتیکه اکثریت حاصل شد میتواند بکارهای دیگر برسد و ادامه دهد و مانع قانونی هم ندارد (بعضی از نمایندگان - صحیح است رأی بگیرد آقا)

**رحیمیان -** بنده مخالفت خودم را با آقای دری پس میکنم.

**رئیس -** فعلاً مطرح نیست.

(آقای طوسی مخبر شعبه گزارش انتخابات نجف آباد و نمایندگان آقای سیف پور فاطمی را بشرح ذیل خواندند)

انتخابات حوزه انتخابیه نجف آباد بشرحیکه در پرونده مصرح است و خلاصه آن استخراج شده و بعرض میرسد از تاریخ ۳۲۲/۵/۶ مقدمات انتخابات این حوزه و مکاتبات و تلگرافات له و علیه بین وزارت کشور و استانداری جریان یافته است رئیس شکایاتی هم که اهالی و داوطلبان نمایندگی از این حوزه بمقامات مربوطه نموده اند در این زمینه است که : عدم رضایت از بخش دار نجف آباد بنام اینکه بخش دار مزبور برادر آقای سیف پور فاطمی است و درخواست تغییر او را نموده اند جواب داده شده است که چون انتخابات بجریان نیفتاده تغییر مشارالیه ضرورت ندارد - در توزیع تعرفه رعایت عدالت و جمعیت محلی نشده است و برای نجف آباد نمی بایست از ۱۴۰۰۰ تعرفه ۵۰۰۰۰ تخصیص داده شود - چون در چهار روز از ایام هفته هر روز بمیزان حداکثر بیش از ۳۰۰ رأی خوانده نشده و در دو روز جمعه و شنبه نزدیک به پنجهزار رأی قرائت نموده اند باحسن جریان مبیانتهی دارد و بحساب درست در نمی آید - از دو روز قبل از موقعیکه برای استخراج آراء معین شده بوده شروع باستخراج نموده اند - در جمع آراء بین رقمی که ذکر کرده اند با رقمی که در صورت مجلس تصریح شده اختلاف دارد چون انجمن این اعتراضات را وارد ندانسته صورت مجلس تنظیم و بنام آقای سید تقی الله سیف پور فاطمی که از کلیه ۱۴۹۷۹ آراء مستخرج شده با اکثریت ۱۱۴۳۰ رأی به نمایندگی دوره ۱۴ مجلس انتخاب شده اند استوارنامه صادر کرده است - شعبه چهارم پرونده امر را کاملاً رسیدگی کرده بعد از مذاکرات و مشاوره بسیار انتخاب رأی نموده با اکثریت نه رأی موافقت کرده اینک گزارش آنرا بعرض مجلس شورای ملی میرساند.

**رئیس -** آقای دولت آبادی

**دولت آبادی -** مخالفم.

**رئیس -** آقای فداکار.

**فداکار -** بنده هم مخالفم.

**رئیس -** آقای اردلان.

**اردلان -** در این خصوص بنده عرضی نداشتم عرض بنده

راجع به آقای ملایری بود که فعلاً مطرح نیست.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - بنده از مقام ریاست درخواست کردم که اعتبارنامه آقای ملایری امروز از دستور خارج شود و جلسه دیگر بماند. حالا که در جلسه یک نظر صلح و صفائی دیده میشود نسبت به آقای ملایری هم البته رسیدگی خواهد شد زیرا آقای ملایری یکی از وکلائی هستند که چند دوره در مجلس شورای ملی بوده اند و قبل از این جریانات هم وکالت ایشان مسلم بوده است و صحیح و در آن خلافتی نیست و تقاضا دارم که در جلسه آتی مطرح شود.

رئیس - در دستور فعلاً کاری نیست.

فاطمی - چون همانطور که فرمودند فعلاً در دستور

چیزی نیست این است که از مقام ریاست تمنی میکنم که جلسه را برای سه شنبه تعیین فرمایند که ما بتوانیم تبادل نظر بکنیم راجع به انتخابات هیئت رئیسه دائمی.

[ ۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - جلسه آینده روز سه شنبه ساعت نه و دستور هم انتخاب هیئت رئیسه است.

[ مجلس بیست و پنج دقیقه قبل از ظهر ختم شد ]

رئیس مجلس شورای ملی - محمد تقی اسعد